

و پرونده‌دار شد، پست بگیرد. در زمان ایشان بود که شرکت ساخت تأسیس شد و آقای اشوری را که از مدیران توانمند عمران کشور بودند، به‌عنوان مدیرعامل شرکت تازه‌تأسیس منتصب کردند. ایشان هم مشکلات راهسازی کشور را در مدیریت‌های موجود دیده بودند. یک روز آقای مهندس اشوری همه معاونان و مدیران ناتوان و ناکارآمد را جمع کردند و به آنها گفتند ما برای شما پست مدیریت نداریم، اگر جایی دارید بروید در غیر این صورت باید کارشناس شوید. از آن زمان مدیران ناتوان شروع کردند به شانتاژ و شایعه‌سازی. متأسفانه با رفتن ایشان به وزیر راه آنچه رفت که نباید می‌رفت. مثالش همین پروژه‌هایی است که با هزینه‌های سنگین ساخته می‌شود و قابلیت بهره‌برداری ندارد؛ مانند راه‌آهن میانه- تبریز، قزوین- رشت، رشت- انزلی و... و آزادراه‌ها و راه‌هایی که موجب تصادفات و کشتار فرزندان این سرزمین مقدس شده‌اند. قطعا خدمات ایشان خیلی مفصل‌تر از عرایض بنده است که من قادر به شرح آنها نیستم. در خوزستان هم که به‌عنوان استاندار بودند، یک زمین بزرگ بود که به پارک، سالن تئاتر، سینما، کتابخانه و خانه هنرمند خوزستان تبدیل کردند و بنده به دلیل اینکه خانه پدری‌ام در آن محل بود، گاهی که به اهواز می‌رفتم، شاهد فعالیت‌ها و بازدیدهای مستمر ایشان بودم. بهترین‌ها و شایسته‌ترین‌ها را برای ایشان و خانواده شریف‌شان از خداوند متعال خواهانم.

**شمایل رشیدی:**

**کجایید بزرگ مردان آن روز**

خاطره‌ای که از ایشان دارم، در زمان معاونت عمرانی استانداری هرمزگان، این حقیر را به‌عنوان شهردار بندرلنگه انتخاب کردند و فرمودند که فردا صبح زود استانداری باشید. بعد از حضور در استانداری، به سوی بندرلنگه حرکت کردیم. در مسیر، جایی متوقف شدیم. ایشان سفره کوچکی از ماشین بیرون آوردند و روی کاپوت ماشین پهن کردند. مقدار کمی نان و پنیر از منزل برداشته بود. فرمودند که بفرمایید صبحانه. روز آن ایشان درسی از ساده‌یستی به من آموخت که این روزها سخت تأسف می‌خورم که آقای مسئولان محترم، امروز نظام به کجا می‌رود با چنین تشریفاتی؟ یک خاطره دیگر اینکه روزی از بندرلنگه خدمت ایشان رسیدم برای امور کاری. بعد از انجام کارهایم از ایشان سؤال کردم جناب مهندس در منزل ما خط تلفن شهرداری هست و از آن علاوه بر استفاده اداری استفاده شخصی هم می‌شود، تکلیف چیست؟ ایشان فرمودند که من در منزل یک فلک گذاشتم سر راه تلفن و مقداری سکه ۱۰ ریالی کنار آن گذاشتم و به خانواده گفتم که هر وقت خواستید از تلفن استفاده کنید، یک سکه می‌گذارید در فلک بعد تماس می‌گیرید و زمانی که فلک پر می‌شود، آن را خالی می‌کنم و با آن بنزین ماشین اداره را می‌زنم. کجایید بزرگ‌مردان آن روز! خداوند ببخشد کسانانی را که باعث شدند این مردم از خدمات شما بزرگان بی‌بهره بمانند.

**غلامرضا انصاری:**

**مصادق یک جمله طلایی مولا**

بعد از مرحوم مهندس شهرستانی، وزارت راه، وزیری که توان برنامه‌ریزی، قاطعیت در مدیریت، صداقت با مردم، پاک‌دستی، بالابردن بهره‌وری، نگاه توسعه‌محور، توانایی، علم، تجربه کاری، داشتن پشتکار و دوری از تبلی، شایستگی و کفایت و شناخت و باور به مردم‌سالاری داشته باشد، همچون مهندس احمد خرم به خود ندیده است. مـولای متقیان حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «ای مردم! سزاورترین افراد به حکومت، قوی‌ترین آنان در اداره امور و داناترین آنان به فرمان خداوند متعال است.» و الحق مهندس خرم مصادق این جمله طلایی مولاست. جناب مهندس خرم روزانه یادداشت‌های کاری خود را ثبت می‌کردند. شایسته است که ستاد نکوداشت این یادداشت‌ها را نیز منتشر کند. آرزوی اینجانب سلامت و سعادت دوست عزیزم احمد خرم است تا داشته‌ها و تجربیات گران‌سنگ‌شان را در اختیار نسل جدید قرار دهند.

**مجتبی احمدزاده ذوالپیرانی:**

**آمیزش حکیمانه عقل و علم**

آنچه از ویژگی بارز علم، اخلاق، ایمان و مدیریتی که در طول سه سال همکاری نزدیک با جناب آقای مهندس احمد خرم در شورای مرکزی نظام مهندسی ساختمان (دوره هشتم) تا به این لحظه درک کرده و دریافته‌ام، این است: در افق بلند مدیریت توسعه علم، اقتصاد، ایمان و اخلاق، کمتر چهره‌هایی را می‌توان یافت که علم و عمل را در آمیزشی چنین متوازن و حکیمانه به کار بندند. مهندس احمد خرم از آن دست فرهیختگانی است که در بوستان دانایی، نه تنها ریشه در خاک تجربه دوانده، بلکه به آبیاری شاخسار تقوا و اخلاق نیز همت گماشته است. او را دانشی است که با حکمت در آمیخته و تدبیری که بر پایه تقوا و انصاف استوار است. در وادی مدیریت،

کشتی‌بانی است که توفان‌های تردید و چالش، نه او را از مسیر اعتدال بیرون می‌برد و نه به موج‌سواری مصلحت‌اندیشانه وادارش می‌کند. او از چشمه زلال آموزه‌های الهی سیراب شده و در هر گام، رضایت خداوند را بر رضایت خلق مقدم می‌دارد؛ چراکه آن که به نور الهی منور شود، در وادی تصمیم‌گیری دچار ظلمت نخواهد شد. «چو تدبیر با علم شد همنشین، بین فرق ره تا کجا و کمین». ویژگی بارز او، آن است که مدیریت را نه مسندی برای قدرت، بلکه امانتی برای خدمت می‌داند. در هر تدبیر، مصلحت جمع را بر منفعت فردی مقدم می‌دارد و در هر اقدام، با قلبی رئوف، اخلاص را سرمایه اصلی خویش می‌کند. چنین شخصیتی، نه‌تنها در دوران مدیریت خود، بلکه در حافظه تاریخ نیز جاودانه خواهد ماند؛ چراکه آن که از چشمه ناب الهی نوشیده باشد، نیکی و عدالت را چراغ راه خود خواهد کرد. سلامتی روزافزون همراه با طول عمر باعزت ایشان را از پرودگار بزرگ خواهیم.

**عباس غفاری:**

**قهرمانی در خدمت مرز بوم**

مهندس خرم در تمام حوزه‌های مدیریتی خود خلاق، خوش‌فکر و نوآور بودند. همواره در راه رسیدن به اهداف خود، گام‌های استوار برمی‌داشتند و بر آن پافشاری می‌کردند. ایشان حتی در زمان وزارت خود هم همچون قهرمانی خاموش بود. قهرمانی که در نهایت سلامت هرچه در علم، تجربه و چنته خود داشت، بر طبق اخلاص نهاد و برای عمران و آبادی این مرز و بوم صرف کرد و هیچ‌گاه نه‌تنها مورد تقدیر قرار نگرفت، بلکه حتی مطرح هم نشد. مهندس احمد خرم شرکت ساخت را بنا نهاد که می‌توانست بازوی مدیریتی وزارت راه و شهرسازی باشد که متأسفانه با رفتن او، رفته‌رفته تحلیل رفت و از اهداف اولیه خود دور شد. مهندس احمد خرم در دوران وزارت خود با آوردن سرمایه‌گذار ترک برای بهره‌برداری و توسعه فرودگاه امام خمینی، گام بسیار مفید و ارزنده‌ای برداشت که متأسفانه با او مقابله و همان شد که می‌بینیم. از کنارگذرهای شرقی و غربی اصفهان که در دوران او مطرح بود، بگذریم. بد نیست به راه‌آهنی اشاره کنم که بنده هم در یکی از قطعات آن فقط با یک ابلاغ ساده مانند بقیه پیمانکاران قطعات دیگر مشغول به کار شدم و علی‌رغم موافقت بانک اتریشی برای سرمایه‌گذاری و حتی انتخاب مهندسان مشاور ای‌ال‌اف به‌عنوان نماینده، متأسفانه بنا بر دلایل واهی و فشار بی‌ربط نمایندگان مجلس در آن دوران، متوقف و به مسیر دیگری کشانده شده که از شهرهای حوزه نمایندگی‌شان بگذرد و همین امر یکی از موارد استیضاح ایشان شد. اشاره من به قطار سریع‌السیر تهران- قم- اصفهان از مسیر کاشان بود که با رفتن او، به مسیر قم-دلیجان- اصفهان تبدیل شد که بعد از این‌همه سال شاهد روند بسیار کند اجرای آن هستیم. موارد فوق بخش ناچیزی از خدمات ارزنده این بزرگ‌مرد است. بزرگداشتی پرشور و درخور شأن ایشان، کمینه کاری است که می‌توان انجام داد.

**مهدی شایان، دبیر اجرایی سابق سازمان نظام مهندسی:**

**حامی امنیت و معیشت همکاران**

همه ما در مسائل ورزشی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، بهداشتی، امنیتی و سایر امور به‌عنوان یک ایرانی هم حرف برای گفتن داریم و هم آرای متفاوت و گاهی متضاد. اینکه بعد از سال‌ها کسی جرئت داشته باشد خودش، افکارش، عقایدش، برنامه‌هایش، نزدیکانش، فرزندانش و همه زندگی فردی، خانوادگی، عقیدتی و عملکردی خویش را در این عصر و زمانه آن هم مرتبط با بیش از ۴۰ سال فعالیت ریز و درشت، در دیدگان و افکار یک ملت، اعم از ساکنان داخل و خارج، در معرض قضاوت افکار عموم، آن هم در این فضای حقیقی و مجازی بگذارد، از عجایب روزگار و از طرفی از خیرات نفس یک انسان شریف و کریم است. پس بیایم با آرامش و طمأنینه این سنت حسنه را به درستی پاس بداریم و اگر کمک‌حال این نکوداشت و شخص جناب مهندس خرم عزیز نیستیم، لااقل با حرکات و سکنات و نوشتار نسنجیده، خدای نکرده باعث آزار روح و روان این انسان نجیب نشویم. در خلال سال‌هایی که در سازمان نظام مهندسی ساختمان توفیق همکاری نزدیک با مهندس خرم را داشتیم، بارزترین ویژگی او را درک عمیق از رفاه و معیشت کارکنان و تأمین امنیت شغلی آنان یافتم. حمایت تام و تمام او از همکاران، بیش از هر چیز در حافظه‌ها ماندگار و منحصربه‌فرد خواهد ماند. جایی که او بی‌محابا و بدون مرز برای زیست بهتر و عزتمندانه همکاران می‌جنگید. شخصیت حامی، سهلگیر، پشتیبان و رقیق شفیق و رئیس مهربان، از او چهره‌ای ماندگاری در باور همکاران بر جای گذاشته است. من تکاپوی ویژه او را برای واکسیناسیون جامعه مهندسی در میانه کج‌فهمی و کج‌کاری متولیان بهداشت کشور و نیز تلاش‌های بی‌وقفه‌اش در ارتقای سطح معیشت و بیمه مهندسان را نه در اندازه یک تعهد مدیریتی بلکه وظیفه‌ای انسانی و مقدس یافتم.

## ویژه‌نامه بزرگداشت مهندس احمد خرم

**مجید براتعلی:**

**واقعیتی خالص**

روزی که به‌عنوان همکار با آقای مهندس خرم آشنا شدم، فکر نمی‌کردم خیلی دوام بیاورم؛ چون حقیقتاً دل خوشی از مسئولان اجرایی نداشتم و فکر نمی‌کردم آدم سالمی بین آنها وجود داشته باشد. بعد از مدتی که بیشتر با خانواده جناب خرم آشنا شدم، باورم نمی‌شد کسی که وزیر بوده، اعضای خانواده‌اش همه مستاجر باشند و نه خود ایشان و نه پسران‌شان حتی یک ماشین لوکس هم سوار نمی‌شوند. آنچه دیدم خود حقیقت بود و ریاکاری نبود، دروغ نبود، فیلم نبود. یک خاطره هم از ایشان دارم. از خیابان گاندی برای رسیدن به خیابان ولیعصر کوچه‌ای بود که ورود ممنوع بود ولی خیلی‌ها به دلیل اینکه مسیر خیلی کوتاه می‌شد و ترافیک هم نداشت از آن کوچه وارد ولیعصر می‌شدند. پلیس هم گهگاه کمین می‌کرد و با برخورد تند، جریمه می‌کرد. یک روز دیدم آقای مهندس خرم در حال جروبحث با پلیس است و به پلیس می‌گوید وظیفه پلیس پیشگیری است نه مچ‌گیری و پلیس نباید با مردم بدرفتاری کند. بعد هم گفتند حتماً پیگیری می‌کنند و اجازه نمی‌دهند پلیس با مردم چنین برخوردی داشته باشد. با پیگیری ایشان همین اتفاق هم افتاد و شاهد بودم پلیس در آن مسیر دست از مچ‌گیری برداشت. برای جناب خرم و همه کسانی که سالم و صادقانه به مردم خدمت می‌کنند، آرزوی سلامتی و عاقبت بخیری دارم.

**احمد مطیعی:**

**مدیری روش‌مند و خلاق**

اینجانب از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۶ در اداره کل منابع طبیعی خوزستان مسئولیت قائم‌مقامی و مدیرکلی داشتم.ام از سال ۱۳۷۶ که جناب مهندس خرم مسئولیت استانداری خوزستان را بر عهده گرفتند، دیدگاه و تجارب ایشان در همه امور راهگشای استان بود. در خصوص شهرسازی، عمودی‌سازی ساختمان‌ها و پارک‌های درون‌شهری در خوزستان، اصلاح قالب سازه‌های درون‌شهری با تأکید ایشان شروع شد. در خصوص بسیج عمومی برای بخش منابع طبیعی و محیط زیست و فضای سبز، با حمایت ایشان توسعه درختکاری و حفاظت از منابع طبیعی در دو ساختار نهضت سبز و کمیته حفاظت از منابع طبیعی سرعت گرفت. در خصوص پارک‌ها و گردشگری، استفاده از اعتبارات و امکانات در اختیار وزارتخانه، ایشان مبدع و حامی بودند. در همه موارد نه‌تنها ایده و هدف‌گذاری و شاخص داشتند، بلکه در رسیدن به اهداف، روش‌ها را تعیین و جلسات پیگیری را شرکت و رصد می‌کردند. از دیگر موارد خوش‌فکری ایشان در سمت وزیر راه، صدور دستورالعمل راه سبز بود که تحولی در دیدگاه مدیران راه و ترابری برای درختکاری حاشیه جاده ایجاد کرد. تشویق و پیگیری ایشان در شورای برنامه‌ریزی استان و شهرستان‌ها به نحوی بود که همه مدیران استانی و شهرستانی قبل از هر جلسه خود را آماده برای توضیح و پاسخ‌گویی می‌کردند که در فعالیت و انگیزه مدیران اثرات بسیار مثبتی داشت. حضور در ادارات کل و تشکیل جلسات کارشناسی با همه سطوح اداری، از دیگر اقدامات مبتکرانه و ارزنده ایشان بود. در جلب و جذب دیگران برای کار و مباحث مرتبط، طوری اثرگذاری در زندگی بنده داشتم که دختر چهارساله‌ام به من جمله‌ای عجیب گفت: بابا مرا بیشتر دوست داری یا آقای خرم را؟!

**حسین علایی**

**انسانی توسعه‌گرا**

وقتی در مهرماه سال ۱۳۵۳ برای تحصیل در رشته مهندسی مکانیک وارد دانشکده فنی دانشگاه تبریز شدم، با چند نفر از دانشجویان سال بالایی از جمله آقایان احمد خرم، ابوالحسن آل‌اسحاق، سیدعلی مقدم‌زاده، مصطفی ایزدی، حمید سلیمی، زین‌العابدین عطایی، غلامعلی کیانی و علی قیامتین و تعدادی دیگر از دانشجویان آن دوره آشنا و به تدریج با آنها دوست شدم. علت اصلی دوستی ما، مذهبی‌بودن این افراد و مقیدبودن آنها به آداب شرعی و مخالفت همگی آنان با نظام استبدادی شاهنشاهی بود. در دوره استبداد و اختناق، مخالفت با نظام شاهنشاهی هزینه‌های سنگینی را در پی داشت. بسیاری از دانشجویان هم علاقه‌مند بودند که خوب درس بخوانند تا هم مهندسان باسوادی بشوند و هم به دنبال نشان‌دادن نارضايتی‌شان از نظام دیکتاتوری حاکم بر ایران بودند که به خواسته‌های مردم توجهی نداشت. احمد خرم که از اصفهان به دانشگاه تبریز آمده بود و در رشته مهندسی راه و ساختمان تحصیل می‌کرد، از سنخ چنین دانشجویانی بود. او با قرآن، نهج‌البلاغه و مفاتیح‌الجنان مانوس بود و مثل آقای مصطفی ایزدی خط خوبی هم داشت و گاهی خوشبویسی هم می‌کرد. به یاد دارم او مقید بود که دعا‌های مفاتیح را پس از اقامه هر نماز بخواند. از جمله پس از نماز عصر، دعای «اللهم انی اعوذ بک من نفس لاتشبع و من قلب لایخشع و من علم لاینفع و من صلوه لاتفرح و من دعاء لایسمع» را می‌خواند و ما هم با او زمزمه